



جمهوری اسلامی ایران

انتشارات دانشگاه شیراز

۱۴۹

# تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری

نویسنده: فضیلت الشامی

ترجمه

علی اکبر مهدی پور

سید محمد ثقفی



۱۴۹

تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری

نویسنده: فضیلت الشامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KitaboSunnat.com

Farsi.com



انتشارات دانشگاه شبراز

۱۴۹

# تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری

نویسنده: فضیلت الشامی

ترجمه

علی اکبر مهدی پور

سید محمد ثقفی

www.KetabFarsi.com

عنوان کتاب : تاریخ زیدیه در قرون دوم و سوم هجری

نویسنده : خانم فضیلت الشامی

مترجمان : سید محمد ثقفی علی اکبر مهدی پور

ویراستار : محمد جعفر تابنده حقیقی

ماشین نویس : زهرا زرین مهر

ناظر چاپ : ابوطالب فنائی

چاپ اول : ۱۳۶۷

چاپ و صحافی : سازمان چاپ مرکز نشر دانشگاه شیراز

تعداد : ۱۰۰۰ نسخه

بهاء : ۱۴۵۰ ریال

حق چاپ برای دانشگاه شیراز محفوظ است

انتشارات دانشگاه شیراز  
زیر نظر معاون پژوهشی (رئیس شورا)

سایر اعضا شورا به ترتیب سروروف الفبا

دکتر مجید اجتهادی

دکتر جلال جمفری دارا بچردی

دکتر علی صادقی حسن آبادی

دکتر نجف علی کریمیان

دکتر محمود مشفقیان

دکتر علی معصومی

دکتر غلامرضا وطن دوست

## فهرست

یک پیشگفتار مترجمان

بیست پیشگفتار مؤلف

### بخش اول

#### فصل اول : پیدایش شیعه و سرگذشت آن

- ۱ ریشه عقیدتی شیعه  
۹ ترکیب عقیدتی شیعه  
۱۲ عقاید شیعه : امامت ، عصمت ، تقیه ، بسا ، رجعت ومهدی منتظر  
۱۹ علت نامگذاری شیعه به رافضی  
۲۴ فرقه های شیعه :  
۲۸ دوازده امامی  
۳۳ کیسانیه  
۳۹ زیدیه ، گروه های دیگر ، اسماعیلیه ، واقفیه

#### فصل دوم : ریشه های تاریخی دعوت علوی :

- ۴۲ بیعت سقیفه و پی آمدهای آن  
۴۸ شخصیت حضرت علی بن ابیطالب (ع)  
۵۴ مناقشه اموی ها با امیرمؤمنان در مورد خلافت  
۵۷ فاجعه خونبار کربلا  
دگرگونی تاریخ با شهادت امام حسین (تحولات تاریخی بعد از  
۶۱ شهادت امام حسین )

۱۷۲	شورش نصرین شبیب
۱۷۳	طرح شورش نصر
۱۷۴	ملاقات ابن طباطبا و ابوالسرایا
۱۷۶	آغاز حکومت ابن طباطبا
۱۷۷	آغاز جنگ عباسیان
۱۷۹	بیعت با محمد بن محمد بن زید :
۱۸۰	بازگشت زهیر بن مسیب
۱۸۱	تصمیم نهائی حسن بن سهل
۱۸۲	فرار ابوالسرایا
۱۸۳	پایان کار ابوالسرایا
۱۸۳	فرجام کار محمد بن زید
	<b>فصل پنجم : نتایج و آثار نهضت ابن طباطبا :</b>
۱۸۵	مصر
۱۸۷	مکه
۱۸۸	محمد دیباج
۱۸۸	آغاز کار محمد دیباج
۱۸۹	یمن
۱۹۳	نهضت زیدی ها در طالقان
۱۹۶	وضع سیاسی کوفه در سال ۲۵۰ هجری، آغاز جنگ
	<b>فصل ششم : تاریخ علویان در طبرستان</b>
۲۰۳	فتح طبرستان
۲۰۳	مذهب طبرستان
۲۰۴	تاسیس حکومت علویان در مازندران
۲۰۵	قدوم حسن بن زید به طبرستان
۲۰۷	بیعت حسن بن زید
۲۰۸	شرایط بیعت با حسن بن زید

<b>بخش دوم</b>	
<b>فصل سوم : آغاز جنبش زیدیه در قرن دوم هجری</b>	
۶۶	جنبش زیدیه ، نسبت زید
۷۰	انگیزه قیام زید از نظر شیعه
۷۲	نگاهی به زندگانی زید
۷۵	انگیزه های خروج زید
۸۲	کوفه شهر خون و قیام
۸۴	عهدنامه زید (۱۱۳)
۸۵	سرآغاز جنبش زیدیه
۸۹	شهادت زید
۹۲	تأثیر شهادت زید
۹۷	تلاش های یحیی بن زید در ادامه نهضت پدرش
۱۰۷	گسترش جنبش زیدیه در عهد خلفای عباسی : علویان و عباسیان
۱۱۰	جنبش نفس زکیه
۱۱۶	سادات حسنی در عهد منصور دوانیقی
۱۲۲	آغاز قیام نفس زکیه
۱۳۷	حرکت ابراهیم در بصره
۱۴۷	جنبش زیدیه بعد از ابراهیم
۱۵۲	تأثیر قیام زکیه در زیدیان مدینه
۱۶۱	آثار و نتایج حادثه فسخ
۱۶۴	جنبش زیدیه در دیلم
<b>بخش سوم</b>	
<b>فصل چهارم : گسترش جنبش های زیدیه</b>	
	بیعت شیعیان زیدی با ابن طباطبا :
۱۶۹	ابن طباطبا به کوفه وارد می شود
۱۷۱	قیام ابن طباطبا

<u>بخش چهارم</u>	
	فصل هشتم : اصول عقاید و فرقه های شیعه زیدی
۲۳۷	نام گذاری شیعه زیدی
۲۴۳	فرقه های شیعه زیدی
۲۴۳	چارودیه
۲۴۵	بت‌ریزه و صالحیه
۲۴۷	قیام بر ضد ستمگران
۲۴۸	برادران حسن بن صالح
۲۴۸	جریره
۲۵۰	فرقه های دیگر زیدی
	فصل نهم : اصول آرا و معتقدات شیعه زیدی
۲۵۲	امامت
۲۵۳	اقسام نص
۲۵۶	اندیشه های زید
۲۵۸	عقیده زیدیه در باره خدا
۲۵۹	عدل
۲۶۰	صفات خدا
۲۶۱	وعده و وعید
۲۶۲	مرتکبین گناهان کبیره
۲۶۳	جواز امامت مفضول بر فاضل
	نامنامه :
۲۶۶	اشخاص
۲۹۵	جایها
۳۰۳	کتابها
۳۱۳	منابع و مأخذ

۲۰۹	ورود محمد بن ابراهیم
۲۱۰	شکست پس از پیروزی
۲۱۱	ارسال کهک
۲۱۱	توطئه سلیمان
۲۱۲	متن بیعت نامه حکومت علوی
۲۱۳	فتوحات دیگر حسن بن زید
۲۱۴	خروج حسین بن محمد در کوفه
۲۱۵	شورش در طبرستان
۲۱۶	ویژگیهای حسن بن زید
۲۱۷	خلافت معتز
۲۱۷	حکومت صفاریان
۲۲۰	حکومت داعی صغیر در طبرستان
۲۲۱	خلافت معتضد
۲۲۳	پایان کار رافع
	فصل هفتم : تشکیل حکومت علوی در یمن
۲۲۶	یمن در دوره خلافت عباسی
۲۲۹	آغاز حکومت زیدی در یمن
۲۳۱	تثبیت حکومت الهادی در یمن
۲۳۱	انتشار مذهب زیدی در یمن
۲۳۲	کارهای مهم الهادی در یمن
۲۳۳	پایان حکومت الهادی
۲۳۵	حکومت فرزندان یحیی

## نهضت‌های آزادیبخش شیعه

تشیع در تاریخ اسلام به عنوان مذهب مبارزه و قیام شهرت یافته است . رهبران شیعی در طول تاریخ فریاد گران اصلاح و آزادی و عدالت بوده اند ، و آرمانشان آن بود کسه جامعه اسلامی را از شر حاکمان مستبد و زورگو برهانند و عدل الهی و قسط اسلامی را در میان امت مسلمان بپا دارند .

پیشاپیش این اصلاح گران ، حسین بن علی (ع) قرار گرفته که با ایشار و فداکاری بی‌نهایت خود و یارانش در فاجعه طف بانک هیبهات منالذله را سر داد و با شهادت خود بنیان ظلم و جور و استبداد را ویران ساخت . پس از فاجعه طف قیامهای الهام گرفته از خون حسین (ع) و یارانش ، همچون قیام توابعین ، مختار ثقفی و علویان زیدی که همگی خواهان حکومت اسلامی و مبارزه با استبداد و فساد و زورگوئی خلفای جور بوده اند .

تداوم بخش حرکت و آرمان حسین بن علی (ع) بوده است . دامنه این مبارزات همچنان ادامه یافت تا آنکه سرانجام حکومت بنی امیه که هزار ماه دولت اسلامی را غصب کرده بود ، سقوط کرد . در اغلب این قیامها ، شیعیان و بویژه ایرانیان هوادار اهل بیت شرکت داشته و با شعار پیام‌نصور امت<sup>۱</sup> همان شعاری که رسول خدا در جنگهای اسلامی علیه کفار داده است بر بنی امیه ، دشمن اسلام و انسانیت ، پیروز شده اند .

نکته جالب در مطالعه تاریخی این نهضتها ، انتخاب شعارهای واحد ، جهت‌های مشترک و شرکت عناصر واحدی است که در همه این قیامهای عدالت خواهانه وجود داشته است . شعار و هدف علویان زیدی *الرضا من آل محمد* همان بوده است که سیاه جامگان ایرانی به رهبری ابو مسلم فریادگر و خواستار آن بودند ، اما علیرغم آرمانهای مشترک ، این نهضت - آنچنانکه مطالعه تاریخ اسلام روشن می‌سازد در دو جهت مختلف قرار گرفتند . یکی علویان زیدی ، با شعار طرفداری از محرومان و اهل بیت و دیگری سیاه جامگان با

۱- یا منصور امت ، شعاری بود که مسلمانان در جنگها میگفتند و معنی اش چنین است : ای خدا (منصور نام خدا است) دشمنان را بمیران (بکش) "مترجمان"



شعار حمایت از محرومان که سر از ناسیونالیسم ایرانی و کشتار ائمه شیعه درآورد. راز این دوگانگی کجا بوده؟ در رهبری نهضت، در شیوه مبارزه، در اخلاص رهبران، در عناصر تشکیل دهنده نهضت، در ماهیت قیام؟ و یا چه عاملی بوده است که نهضت اول از طرف امامان شیعه مورد حمایت قرارگیرد اما قیام دوم با شک و تردید و یا لااقل بی‌تفاوتی روبرو شود؟

به نظر ما، عامل انحراف عدم اخلاص و یا ریاکاری و عوام فریبی و نیز شیوه های مبارزه ضد اسلامی و انسانی و فاشیستی رهبران نهضت دوم در راه رسیدن به حکومت بود که سبب شده تا امامان شیعه در ماهیت قیام آنان تردید نموده و بی‌اعتماد شوند و به عکس اخلاص و ایثار علویان زیدی و روش‌های اسلامی و انسانی آنان در مبارزه، باعث گردید که ائمه اهل بیت به آنان اعتماد نموده، پشتیبانی کنند و درود بفرستند. با مطالعه هریک از عوامل یاد شده راز این دوگانگی را به دست آورده و با یک مقایسه تاریخی، علل واقعی اصالت قیام اول و انحراف قیام دوم را نشان دهیم.

#### رهبران نهضت

رهبران این نهضتها، هر دو از خانواده پیامبر و هر دو سید نیک‌نام می‌باشند، جز اینکه یکی از آنها ابراهیم الامام از شاخه عباسیان که با رهبر علویان تفاوت‌های چندی دارد که اشاره خواهد شد.

رهبری نهضت علویان را حضرت زیدبن علی بن الحسین (ع) به عهده دارد که به تعبیر امامان شیعه، یکی از علمای بزرگ آل محمد (ص) بوده است.

وی در سال ۸۵ هجری تولد یافت و در دوران خلافت هشام بن عبدالملک سال ۱۲۲ هجری به سن ۴۲ سالگی به شهادت رسید.

او فرزند حضرت امام سجاد (ع) می‌باشد که از ام ولد ی بنام سندیه که مختار ثقفی به حضرتش فرستاده بود، متولد گردیده است. زید در خاندان شرف، علم، فضیلت و تقوی تربیت یافت و از محضر پدر بزرگوار و حضرت باقر (ع) در همه زمینه های علوم اسلامی همچون: فقه، حدیث و تفسیر بهره گرفت. آنچنان که ائمه فقه جامعه اسلامی

۱- ام ولد، کنیزی که صاحبش آن را بزنی بگیرد و از او صاحب فرزند شود.

امثال ابوحنیفه و واصل بن عطا امام معتزلیها از او تلمذ کرده و استفاده نموده اند.<sup>۱</sup> شیخ محمد ابوزهره از دانشمندان الازهر مصری در باره وی میگوید: به گفته معاصران حضرت زید، او عالمی بزرگ و آشنا به همه علوم اسلامی و اهل بیت بوده و اکثر شیوخ فقه درکوفه مانند امام ابوحنیفه نزد او تلمذ کرده اند.

ابوحنیفه می‌گوید: کسی را در زمان خود دانانتر، فقیه تر و با هوش تر از زیدبن علی (ع) ندیدم، او عالمی با هوش، بی‌نظیر و سریع الجواب بود.<sup>۲</sup>

زید، در میان اهل بیت نیز مورد احترام بوده است. امام رضا (ع) او را یکی از علمای آل محمد (ص) و عبدالله بن حسن مثنی<sup>۳</sup> او را شخصی بی‌نظیر میدانسته است. بهرحال زید عالمی از علمای اهل بیت و شخصی زاهد، شجاع و متقی و سخی بوده است.<sup>۴</sup>

اما در شاخه عباسیان، ابتدا رهبری نهضت را محمدبن علی بن عبدالله بن عباس به عهده گرفت که می‌گویند ابوهاشم پسر محمد حنیفه او را در ضمیمه، "قریه ای در شام"، به قیام علیه خلافت اموی توصیه کرد و کیسه اسرار، نامه‌ها و نشانه های شیعیان را در اختیارش گذاشت. سپس محمدبن علی بنابه توصیه ابوهاشم و اعیان و مبلغان، ابتدا به عراق و آنگاه به خراسان رفت.

او میسر<sup>۵</sup> النبال را به عراق و ابوعکرمه سراج را به خراسان فرستاد و این مبلغ عباسی با یک تشکیلات سیاسی، هفتاد نفر را انتخاب کرد و آنها را در دوازده گروه معین "نقیب" برای تبلیغ حکومت آل محمد (ص) بدون آنکه اسم احدی را ببرند به اطراف بلاد اعزام داشت. پس از درگذشت محمدبن علی پسرش ابراهیم الامام رهبری نهضت عباسی را به عهده گرفته و خط مشی قیام را به وسیله پیامها و دستورهای نظامی ابلاغ کرد. او نام و اسرار نهضت را بجز بر داعیان فاش ساخت و هم او بود که ابومسلم خراسانی را به عنوان نماینده تام الاختیار خود معین نموده و به اودستور داد که هیچ عرب زبانی را باقی نگذاشته هر پسر بچه ای را که پنج وجب طول داشته باشد متهم ساخته و بکشد. اما سرانجام مروان بن محمد از کار ابراهیم مطلع شده و او را دستگیر و در زندان کشت.<sup>۶</sup>

۱- الامام زید. محمد ابوزهره ص ۲۵

۲- الشیعه بین الاشاعره و المعتزله هاشم معروف. ص ۴۰۳  
 ۳ عبدالله بن حسن مثنی، بجهت داشتن دو نام (حسن) که اسم پدر و جدش بوده (حسن بن حسن) ملقب به "مثنی" نامیده شد و در جامعه آن روز شخصی ممتاز بوده است.

۳- عیون الاخبار صدوق ص ۴۱۳

۴- کامل ابن اثیر ج ۵ ص ۴۱۵

ابن اثیر، در الکامل خود، از او به نیکی یاد کرده و او را مردی خیر، فاضل، کریم و سخی معرفی نموده و نقل می‌کند که او نسبت به آل علی نیز با عطف و مهربان بوده است.<sup>۱</sup>

## اهداف

اهداف هر دو نهضت ظاهرا "تشکیل حکومت اسلامی (حکومت آل محمد)"، عمل به کتاب و سنت و نیز حمایت از محرومان و مستضعفان و برقراری عدالت و حق و مساوات در میان امت اسلامی بوده است. مثلاً در دعوت نامه و اخذ بیعتی که در کوفه از طرف زیدبن علی و بعدها از طرف علویان در طبرستان در کتابهای تاریخ ثبت شده است چنین می‌خوانیم: ما شمارا به عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و جهاد ظالمان و دفاع از مستضعفان و اداء حق محرومان و تقسیم مساوی بیت المال و جلوگیری از هرگونه ظلم و اجحاف و به پیروی از اهل بیت در برابر غاصبان حق آنان و دشمنان کینه توزشان فرا خوانیم!<sup>۲</sup> از طرف دیگر در سخنرانی و خطبه‌ای که داودبن علی برادر سفاک، هنگام اخذ بیعت برای خلافت آل عباس و برادرش سفاک ایراد کرده، چنین آمده است:<sup>۳</sup>

ما همواره از اوضاع و احوال شما با خیر بودیم و بد رفتاری بنی امیه با شما ما را رنج می‌داد و می‌دانستیم که آنها شما را چگونه تحقیر می‌نمایند و ثروتها و بیت المال شما را غارت می‌کنند. اکنون ما با شما و پیامبر و جدمان عباس (عموی پیغمبر) پیمان می‌بندیم که حکومت خدائی ایجاد کنیم و به کتاب و سنت عمل نمائیم و در مورد همگان علی العموم با خواص مطابق سیره پیامبر رفتار نمائیم.

۱- همان مدرک ص ۴۴۶

۲- انا ندعوكم الى كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله وسلم، و جهاد الظالمين والدفع عن المستضعفين واعطاء المحرومين وقسم هذا الفى بين اهله سواء ورد المظالم ونصرنا اهل البيت على من نصبنا و جهل حقنا. كامل ابن اثير، ج ۵، ص ۴۲۲

۳- فلقد كانت اموركم ترمضنا ونحن على فراشنا و بشد علينا سوء سيرة بنى امية فيكم و استزالمهم لكم و استثارهم بغيبتكم و صدقاتكم و مقانكم عليكم و لكم ذمه الله تبارك و تعالى و ذمة رسوله و ذمة العباس علينا ان نحكم فيكم بما انزل الله و نعمل فيكم بكتاب بكتاب الله و نسير في العامة و الخاصة بسيرة رسول الله

و یا در تعهد و بیعتی که ابرسسلم از سردم خراسان می‌گرفت و مسلمانان را بدان وعده می‌داد چنین می‌خوانیم:

من با شما برای عمل به کتاب و سنت و پیروی از حکومت خاندان رسول بیعت می‌کنم و براین پیمان خدا و همه مقدسات اسلامی را شاهد می‌گیرم و منتظرم تا دستور رهبران ما فرا رسد. و باین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که دعوتها، پیامها و تبلیغات و همچنین نوع هدفها و انگیزه‌ها همگی بیک نوع بوده و همه یک‌چیز را می‌خواهند: حکومت اسلامی! حکومت اسلامی به رهبری یکی از اعضای خاندان رسول و عمل به کتاب و سنت و پیاده کردن احکام الهی و دفاع از مستضعفان و محرومان و ایجاد عدل و مساوات و امنیت در میان امت اسلام. چه وعده‌های زیبا و کلمات خوش‌آهنگ و آرمانهای والایی! اینست که ما معتقدیم که خواسته ایرانیان در نهضت ابو مسلم بمانند همه نهضتهائی است که قبلاً واقع شده بود و ایرانیان در آن شرکت داشتند. بنابراین می‌بینیم که هر سه نهضت زید و مختار و توابعین بر اساس تحقق بخشیدن به حکومت اسلامی استوار بود. اما افسوس این آرزو تحقق نیافت و نهضت دوم به انحراف کشیده شد.

## انگیزه ابو مسلم

نویسندگان معاصر، انگیزه ابو مسلم را گرچه شور باطنی، احساسات قومی و ملی نمی‌دانند! اما معتقدند که انگیزه او به جهت نفرت از ستمکاران عرب بوده، و برای عامل مذهبی در این نهضت چندان اثری قائل نیستند، چراکه به تعبیر دکتر علی شریعتی یکی از محققان ارزنده اسلامی، ایرانیان می‌خواستند که با نهضت خود اسلام را از عرب جدا سازند و با اسلام و شعارهای راستین آن با اشرافیت عربی که آن روز با ماسک اسلام سیادت نژادی خود را تحمیل کرده بود، حمله نموده و آنان را نابود سازند و از اینرو است که در نهضت خود حتی شعارهای تندتر از خود عربها در دفاع از اسلام سر می‌دهند.

اوبایعکم علی کتاب الله وسنة محمد رسول الله و الطاعة للرضا من اهل بیت رسول الله (ص)

و علیکم بذک عهدالله و میثاقه و الطلاق و العتاق و المشی الی بیت الله الحرام و علی ان

لاتسالوا رزقا" و لاطمعا. کامل ابن اثیر، ج ۵، ص ۴۱۸

۱ - دو قرن سکوت، دکتر زرین کوب ص ۲۱۴

ابو مسلم وقتی از خراسان بلند می‌شود شعار ملی ندارد. میگوید *الرضا من آل رسول* در حالیکه مسلماً در میان افسران ابو مسلم کسانی وجود داشتند که مسلمان نبودند اما این شعار را برای گوبیدن عرب قبول داشته و می‌گفتند که باید به مردم عرب و ایران گفت که خلفاء به دروغ خود را به اسلام چسبانده‌اند و در واقع ما مسلمانان حقیقی هستیم. به همین دلیل مسلمان و غیر مسلمان اعم از عرب و عجم حاضر شدند که با خلیفه اسلام بچنگد و زیرا بهر حال این نهضت، خلیفه عرب را می‌کوبید با اینکه در رکاب ابومسلم فرق و افشار متفاوتی همچون: شیعیان کیسانی، خوارج سیستانی، زردشتیان خرمدینی، روستائیان و پیشه‌وران و حتی بردگان شرکت داشتند، اما اینان تنها نه بخاطر نجات از ظلم بنی امیه سلاح در دست گرفته بودند و آرمان خود را در تحقق حکومت آل محمد (ص) می‌دانستند. اما افسوس این آرزو برآورده نشد حتی خود ابومسلم ضمن توبه نامه‌ای به منصور که عموماً آن را مهمترین عامل قتل وی شمرده‌اند، یاس خود را از ایمان نابجای خویش چنین می‌نویسد:

"من رهبری از دودمان پیغمبر داشتم که همی بایست احکام الهی را بمن بیاموزد و من می‌پنداشتم که "علم راستین" را نزد او خواهم یافت اما او حتی قرآن را وسیله فریب من ساخت! آری، ابو مسلم نیز آرمان اسلامی داشت و به دنبال تحقق آن در جستجوی رهبری با فضیلت بود و آن را در وجود ابراهیم امام می‌دید، اما در این تطبیق به خطا رفت و به قول دکتر صاحب الزمانی: انگیزه "مازیا رو ابومسلم را، تازمانیکه همین مقدار اطلاعات پراکنده در باره آن در دست است با هیچ عینکی، با هیچ وارونه‌گویی و مسخ حقیقتی نمی‌توان همسان و یکی دانست. ابومسلم مسلمان بوده؛ مسلمانی واقعی و معتقد. اونیز تحقق آرمان بی‌تبعیض اسلامی را در رهبری فردی برتر از خاندان پرهیزگار پیغمبر می‌جست. او می‌اندیشید اگر حکومت بنی‌امیه که مالا مال از تبعیض و ستم است بر کنار شود و زاهدی چون ابراهیم امام از خاندان پیامبر بر سر کار آید، خلافتی نظیر خلافت بی‌تبعیض و عادلانه علی، زمام امور را در دست خواهد گرفت! اما افسوس که همه آنها خیال خامی بود که در سر می‌پرورانید و چه جنایتها که در راه آن مرتکب نشد.

۱- هویت ایرانی - اسلامی دکتر علی شریعتی ص ۱۹  
 ۲- تاریخ فرق اسلام - دکتر محمدجواد مشکور ص ۳۱۲  
 ۳- دیباچه‌ای بر رهبری - دکتر ناصر الدین صاحب الزمانی ص ۵۲۲  
 ۴- همان مدرک ص ۴۶۴

### شعارها .

در هر نهضت و قیامی شعار در باروری آن نقش مهمی را بازی می‌کند. شعار احساسات مردم و انقلاب کنندگان را تهییج کرده و راه نیروها را در تحقق آرمانهای انقلاب متمرکز می‌سازد. شعار بیانگر، اهداف و آرمانهای یک ملت انقلابی است و از طریق آن می‌توان به خواسته‌های یک ملت پی برد.

در انقلاب عظیم صدر اسلام، پیامبر دستور داد که مسلمانان شعار بدهند و با احساسات پاک و انقلابی خود روحیه دشمن را تضعیف کرده و اهداف خود را پیش ببرند. شعار مسلمانها در جنگ تکبیر بود و به دنبال آن ندای یا منصور امت را دسته جمعی بانگ می‌زدند و به دشمن حمله می‌کردند و گهگاهی نیز در جنگها در برابر سرود دشمن رجز خوانده و مقابله به مثل می‌کردند. در جنگ احد ابوسفیان شعار داد: زنده باد هبل *اعل هبل، اعل هبل*، پیامبر به علی فرمود که بگوید، خدا بزرگ و متعالی است، *الله اعلى واجل* دوباره ابوسفیان نعره زد که: ما بت عزیزی داریم و شما بت ندارید، *ان لنا عزى ولا عزى لكم*، علی فریاد کرد، خدا بزرگ ما است و شما مولی ندارید، *الله مولانا ولا مولى لكم*، و همین شعارها بود که باعث شد تا نیروی اندک با ایمانی قوی بر دشمن بیشمار و مسلح چیره شود و این چنین اسلام حماسه آفرید و پیروز گردید.

خاطرات این شعارها و حماسه‌ها در ذهن مسلمانان باقی بود، و به همین جهت آنان از این حربه در نهضتها و نبردهای خود علیه حاکمان زور و طاغوتهای زمان در تجدید اسلام، حتی قرن‌ها بعد از آن بهره می‌جستند.

به اعتراف مورخان، در نهضت علویان و حضرت زیدبن علی در کوفه به سال ۱۲۲ هجری، همان شعارهای اولیه تکرار شد. این اشیر می‌نویسد: در اول صفر سال ۱۲۲ هجری طرفداران زید در حدود ۱۵ هزار نفر بودند. آنها قرار گذاشتند که علیه بنی‌امیه قیام کنند و همان شب در مسجد کوفه جمع شدند اما متأسفانه قبل از اینکه کاری بکنند از طرف نیروهای یوسف بن عمر عامل بنی‌امیه در کوفه محاصره شدند. در آن شب زیدبن علی در خانه معاویه بن اسحاق انصاری بود؛ زید از خانه بیرون آمد و همراه هواداران خود آتش روشن کرد سپس همگی تکبیر گویان شعار یا منصور امت را سردادند و با بنی‌امیه آماده نبرد شدند!

صبحگاهان از نیروهای زید (۱۵ هزار نفر) خبری نشد و تنها ۲۱۸ نفر به یاری او آمدند و دیگران بی وفائی کردند. جنگ شروع شد جنگی شرافتمندانه در راه دفاع از اسلام و سرانجام زید شهید شد (دوم صفر ۱۲۲ هـ. ق) و چند سال بعد پسرش یحیی بن زید در خراسان قیام کرد و به شهادت رسید؛ تا اینکه سیاه جامگان نهضت بزرگ خود را بر ضد بنی امیه آغاز کردند<sup>۱</sup>. در نهضت ابومسلم نیز همین شعارها تکرار می‌شدند و خاطرات جنگهای پیامبر را تجدید می‌کردند.

در ۲۵ رمضان ۱۲۹، ابو مسلم همراه مبلغات بنی عباس، سلیمان بن کثیر و دیگر ایرانیان هوادار حکومت الرضا من آل محمد (ص) که متشکل از مردم ۶۰ قریه بودند در قریه سفیدبج مروگرد آمدند. اگر اینان در واقع همان شیعیان و موالی ایرانی بودند که در قیام زید بن علی نیز شرکت داشتند آنان در حالیکه دو پرچم سحاب (ایر) و کلس (سایه) را در پیش داشتند شبانگاه آتش روشن کردند و قیام خود را اعلام نمودند. آنان شعار می‌دادند: یا منصور اتم و ابومسلم آیه اذان للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر را می‌خواند. فردای آن روز همه مردمان اطراف به او پیوستند و همه تکبیر می‌گفتند. روز عید فطر ابومسلم دستور داد که سلیمان بن کثیر نماز عید بگذارد. او نماز فطر را قبل از خطبه آن، بدون اذان و اقامه شروع کرد (و این در حالی بود که بنی امیه عکس آن می‌کردند و با شش تکبیر نماز گذارد (در حالیکه) بنی امیه با چهار تکبیر انجام می‌دادند<sup>۲</sup>. و بدین ترتیب نهضت بزرگ شروع شد و بعد از جنگها و پیکارهای زیاد سرانجام بساط ظلم و فساد و دستگاه استبداد اموی ساقط گردید.

نقش شعار در این حماسه های دینی به خوبی آشکار است. از آنجا که این نهضتها همگی از سرچشمه زلال اسلام مایه می‌گرفتند، شعارهای واحد و آیات قرآنی ورد زبان مجاهدان بود، زیرا همگی همان مستضعفان جوامع ایرانی و عربی بودند که از یوغ ساسانیان و عرب جاهلی نجات یافته و به دام اشرافیت عرب بنی امیه ضد اسلام افتاده بودند، و از این جهت آنها نجات خود را باز در اسلام و حکومت و خاندان رسالت می‌دانستند، لذا همواره اگر بانگی یا پرچمی از جانب ایشان بلند می‌شد بزودی در زیر آن پرچم، به رهبری خاندان پیامبر بر ضد حکام جور قیام می‌کردند.

۱- همان مدرک ص ۴۱۹

۲- کامل ابن اثیر ج ۶ ص ۲۱۵

### عناصر تشکیل دهنده نهضت

مردی که در قیامهای ضد خلافت اموی شرکت می‌کردند همگی دارای یک هدف مشترک بودند واکثراً از ایرانیان و یا شیعیان اهل بیت طرفدار عدل اسلامی بودند که اساس سپاه اسلام را تشکیل می‌دادند؛ گرچه در این میان تعدادی از خوارج و یا عده ای از زرتشتیان خرمذینی نیز شرکت داشتند، اما آنان نیز به منظور مساوات و عدالت طلبی و نیز جهت خط مشی نهضت در مورد براندازی عرب بنی امیه، در آن شرکت می‌کردند. مسورخان می‌گویند: وقتی که زید قیام کرد، بیعت با وی نه فقط از طرف مردم کوفه، بصره، مدائن و واسطه استقبال شد بلکه حتی در خراسان و گرگان و ری نیز مورد توجه قرار گرفت<sup>۱</sup>. ابن اثیر نقل می‌کند که در سال ۱۰۲ هجری میسره داعی علویان (هاشمیان) مباحثان خود را به طرف خراسان گسیل داشت تا مردم را به بیعت و دعوت علویان فراخواند. ابن خیر در خراسان پیچید؛ والی خراسان از جریان مطلع شد و همگی آنها را دستگیر کرد، آنها گفتند که همه ما به تجارت آمده ایم و کاری به سیاست نداریم با این حال والی آنان را آزاد نکرد تا آنکه جماعتی از قبیله، آنان را ضمانت کرده و سرانجام آزاد شدند<sup>۲</sup>.

آری همه مردم اعم از ایرانی و غیر ایرانی و نیز مسلمانان از ظلم بنی امیه سوخته بودند و به همین جهت آنها در جستجوی فریادگری از خاندان رسول بودند این گرایشهای عدالتخواهانه و احساسات شکست خورده همان زمینه ای بود که بنی عباس با تر دستی و فریبکاری از آن سوء استفاده کردند. این بود که آنان نیز خراسان را مرکز قیام خود قرار دادند و مبلغان خود را به طرف ایران و خراسان فرستادند و از شهادت زید و پسرش یحیی سوژه ای ساختند و مردم را بر ضد بنی امیه و عرب شوراندند.

محمد بن علی بن عباس، اولین امام مدعی خلافت عباسی، در اوصاف شهرهای خلافت اسلامی چنین بیان می‌کند. کوفه و اطراف از شیعیان شیعه علی، بصره هوادار خوارج، مکه و مدینه پیرو ابوبکر و عمر و سرتاسر شام مریدان معاویه و بنی امیه می‌باشند، و نیز می‌افزاید: بر شماست که جانب خراسان را در پیش گیرید زیرا در آنجا قلبها سالم و خواسته ها هماهنگ است، تشمت و اضطراب در آن راه نیافته و فساد در میانشان نفوذ نکرده است، بدنها و بازوان قوی با اراده‌هایی استوار در انتظار شما است و من، مشرق (خراسان) طلوع گاه خورشید، چراغ دنیا و شمع مردم را به فال نیک می‌گیرم<sup>۳</sup>.

۱- کامل ابن اثیر ج ۵ ص ۴۱۵

۲- کامل ابن اثیر ج ۶ ص ۲۱۸

۳- جهاد الشیعه دگتر سمیره مختار اللیثی، ص ۹۰

یاران ابومسلم نیز همه ایرانی، شیعه و خراسانی بودند. طبری می‌گوید: به یک روز مردم شصت دهکده پیش ابومسلم آمدند و نخستین کسانی که پیش او رفتند اهل سقادم<sup>\*</sup> بودند، با هر مروی نهصد پیاده و چهار سوار و از اهالی هرمز فره هزار پیاده و شانزده سوار آنان در حالیکه تکبیر می‌گفتند در زیر پرچم سحاب (ابر) و ظل (سایه) آیه ان ذین یقاتلون بانهم ظلموا می‌خواندند و در نماز عید فطر شرکت کردند!

در اینجا سؤال این است که این نهضتها با همه نقاط مشترکی که داشتند یعنی استراتژیها، شعارها و هدفهای واحد و اینکه تقریباً از پشتیبانی یک مردم همسان برخوردار بودند، به دو راه مختلف رفته و یا در جهت‌های گوناگون قرار گرفتند؟ پاسخ به این سؤال شاید بتواند خواننده را در تحلیل علل روی کار آمدن خاندان عباسی که دست کمی از بنی امیه نداشتند و چندان ظلم و خیانت مرتکب شدند که شاید بنی امیه به آن جنایتها دست نیاز یده بودند، بخصوص در مورد آل علی آنچهان ظلم و جنایتی مرتکب شدند که روی بنی امیه در پیش آنها سفید می‌نماید و به قول شاعر:

والله ما فعلت امیه فیهم معشار ما فعلت بنوالعباس

که بنی امیه یک دهم ظلم بنی عباس را در مورد آل علی مرتکب نشدند و نز جاحظ در باره جنایات منصور دوانیقی نسبت به اولاد امام حسن می‌گوید:

"منصور فرزندان امام حسن را در زندان کوفه در سرداب قصر ابن هبیره زندانی ساخت بطوری که روز را از شب تشخیص نمی‌دادند. او دستور داد که محمد بن ابراهیم (نفس زکیه) را بگیرند و زنده زنده گور کنند و بر روی نعش او دیوار بسازند، محمد در حالی که جان می‌کند به برادرش عبدالله و حسن چنین گفت: آرزو کردیم که از جور بنی امیه خلاصی یابیم و به سلطنت و حکومت الرضا من آل محمد بنی عباس برسیم، اما حال ما بهتر نشد که بدتر شد."<sup>۲</sup>

#### عوامل انحراف

الف: اخلاص یا قریب؟!

ب: شیوه های مبارزه؟!

به راستی راز و یا عامل انحراف در نهضت دوم چه بود؟ و چه عاملی سبب گردید که این

نهضت انحراف یابد؟ و چرا مسلمانان به آن دام بیفتند، چه از دامی رها شدند و به دامی دیگر گرفتار آمدند؟ به نظر ما عامل انحراف را می‌باید در عدم اخلاص رهبران نهضت دوم و به کار گرفتن شیوه های ضد اسلامی و انسانی در راه پیروزی، و نیز فریب و تزویر و دنیا داری قائلان آن، تحت عنوان شعارهای جالب و اسلام مداری جستجو کرد.

در اینجا خواننده می‌بایست توجه داشته باشد که این داوری بر اساس شواهد تاریخی و اسناد و مکاتبات انجام شده میان رهبران به اصطلاح اسلامی نهضت دوم با سرداران خود انجام گرفته است چرا که تحلیل و بررسی این اسناد حقیقت واقعی عامل و یا عوامل انحراف را به روشنی نشان می‌دهد. ما در نهضت اول و رهبران آن اخلاص، ایمان، ایثار و فداکاری می‌بینیم و نیز مشاهده می‌کنیم که چگونه قدمی بالاتر از دستورات شرع و احکام اسلامی بر نداشتند و هیچ شیوه ضد اسلامی و انسانی را در راه پیروزی خود انتخاب نکردند و به اصطلاح "هدف" وسیله را توجیه نساخت بلکه آنجا که هدف ایجاد جامعه اسلامی و تحقق قسط بود، راههای مشروع و انسانی و طبیعی را در بنده دست آوردن هدف مقدس خود، انتخاب کردند.

امام حسین پیشوای این نهضتها، می‌گوید:

قیام من، قیام فردی جاه طلب یا کامجو یا آشوبگر و یا ستمگر نیست؛ در جستجوی اصلاح امت جدم بیا خواسته‌ام، اراده دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیرت جد و پدرم رفتار نمایم<sup>۱</sup> سردار او مسلم بن عقیل در خانه هانی پشت پرده قرار گرفت و مقرر شد که هنگام عیادت ابن زیاد از هانی، که او از پشت پرده بیرون آمده و ابن زیاد را بکشد. اما او چنین نمی‌کند و در جواب می‌گوید: این گشتن ترفندی پیش نیست و پیامبر از آن نهی فرموده است. (الایمان قید الفتک و لا یفتک مؤمن<sup>۲</sup>)

ایمان زنجیر فریب است، انسان مؤمن فریب نمی‌دهد.

وزید بن علی در جواب کوفیان که از رای او در مورد صحابه ابوبکر و عمر جویدا می‌شوند

۱- انی لم اخرج اسرا ولا بطرا ولا مفسدا" و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه

جدی و ارید ان امر بالمعروف و انہی عن المنکر و استر بسیره جدی و ابی.

الامامة و السياسة، ابن قتیبہ، ص ۱۵۶

۲- الارشاد مفید ص ۳۱۳

۱- کامل ابن اثیر ج ۶ ص ۲۱۲

۲- جهاد الشیعه ص ۴۵

\* سقادم (دهکده ای در مرو)

می‌گوید :

اینهایی (بنی امیه) که ما با آنها می‌جنگیم به مانند آنان (ابوبکر و عمر) نیستند و من شمارا به عمل به کتاب خدا و احیای سنت پیامبر و ابطال بدعتها فرا می‌خوانم ، اگر گوش فرا دهید خیر من و شما است و اگر امتناع ورزید من وکیل شما نیستم<sup>۱</sup> .

ولی صحنه در درام نهضت دوم ، طور دیگری است . سیاستمداران حرفه ای زمام امور را در دست دارند و از احساسات پاک آنها در راه مطامع دنیوی و ریاست خواهی نفس سوء استفاده می‌کنند .

اینان (بنی عباس) در ابتدا سیاست اختلاف بیانداز حکومت کن را پیش گرفتند و شیوه های ضد انسانی را در راه پیروزی به کار بستند و نه تنها در راه پیروزی دستور شرع اسلام را ارجی ننهادند بلکه درست بر خلاف آن امر می‌کردند .

مثلاً آقای ابراهیم الامام به سردارش ابومسلم خراسانی بعد از اینکه از اختلافات و تعصبات قبایل عربی اطلاع یافت چنین نامه می‌نویسد و دستور می‌دهد :

ابو مسلم ، تو فردی از خاندان ما هستی وصیتم را گوش فرا ده . همواره این قبیله یمانی را در نظر داشته باش و آنان را پشتوانه خود بدان ، زیرا کار خلافت ، بجز به کمک آنان به پیروزی نخواهد رسید و طائفه ربیع را اعتماد مکن ، اما قبیله مضر طرفدار (بنی امیه) آنان دشمنان خانگی هستند . سپس می‌افزاید : "هرکس را که مشکوک دیدی ، بکش و اگر بتوانی در خراسان احدی را که عربی حرف می‌زند باقی نگذاری و هر پسر بچه ای که قامتش پنج وجب باشد ، متهم کرده و بکش<sup>۲</sup> .

۱- ان هولاء الذین نقاظهم لیسوا کاولئک و انی ادعوکم الی العمل بالکتاب و احیاء السنه و امامته البدع و ان سمعوا بک خیرا" لی ولکم و ان تابوا فلست علیکم بوکیل . کامل ابن اثیر ج ۵ ص ۴۱۴

۲- انک رجل منا اهل البیت احفظ وصیتی ، انظر هذالحی من الیمن فالزمهم و اسکن بین اظهرهم فان الله لایتم هذا الامر الا بهم فانهم ربیع فی امرهم و اما مضر فانهم العدو القریب الدار و اقتل من شککت فیہ و ان استطعت ان لاندع بخراسان من ینکلم بالعربیه فافعل و ایما غلام بلغ خمس سن اشبار فاتهمسه فاقتله . . کامل ابن اثیر ج ۶ ص ۲۱۵

راستی باید از این آقای ابراهیم الامام زاهد پرسید آیا عرب طرفدار حکومت اسلامی که خود نیز در ظلم و جور بنی امیه سوخته است و خواهان عدل اسلامی است ، چرا باید کشته شود ؟ و یا جرم آن پسر بچه نیم وجبی چیست که باید متهم و کشته شود ؟ و این همان شیوه فاشیستی- ماکیاو لینیستی است که همه چیز در راه هدف مباح می‌شود و هدف وسیله را توجیه می‌کند .

بدبختی آنکه همه این روشهای ضد اسلامی و انسانی در پی آرمانهای اسلامی : عدالت و حکومت الرضا من آل محمد (ص) صورت می‌گیرد و به قول مسعودی در مروج الذهب ابومسلم هم که جوانی نوزده ساله و عاری از فضیلت و آشنائی با اسلام بوده ، همان شیوه را به کار می‌بندد و با به کار بستن حمله ها و فریبهای دشمن غلبه می‌کند و به قول خود ابو مسلم " بر احدی رحم نکرده و صدهزار نفر آدم می‌کشد " ۲۸ ، حتی در راه تحقق خلافت بنی عباس بدتر از بنی امیه ، این سردار سفاک دستش بخون خاندان علی آغشته می‌شود و عبدالله بن معاویه ، نوه جعفر طیار را به خونخواهی یحیی بن زید قیام کرده بود ( ۱۲۹ هجری ) می‌کشد<sup>۳</sup> .

و یا نیز رفیق خود سلیمان بن کثیر (داعی عباس) و ابومسلم خلال (متماثل به خاندان علی) را نیز می‌کشد ، و با این سنگدلی و قساوت قلب و دیکتاتوری ، امام ناحقی را به مسند خلافت می‌نشانند .

جالب اینکه خود ابومسلم ابن سردار بیباک و سفاک ایرانی ، بعدها خود به این اشتباه بزرگ پی برده و بی تقوای و فریبکاری و تزویر و عوامفریبی بنی عباس ، اعتراف کرده و می‌افزاید : چگونه مردم مسلمان ایران و حتی خود او را با ماسک شعارهای آرمان خواهی و عدالت خواهانه فریفته بودند .

پس از آنکه خلافت بر بنی عباس مسلم شد و آنها از آسیاب افتاد ، سیاستمداران بنی عباس ، ضروری دیدند که باید مزاحمان حکومت خود را از میان بردارند ، گرچه آنان از خدمتگذاران دیروزی آنان باشند . ابو مسلم که این مسئله را احساس کرده و می‌فهمید

۱- مروج الذهب مسعودی ج ۳ ص ۷۲

۲- جهاد الشیعه مختار الیسی ص ۴۰۰

که روزی نیز نوبت او فرا خواهد رسید ، ضمن نامه پرخاشگرانه ای به منصور دوانیقی چنین می نوشت :

من رهبری از دودمان پیامبر داشتم که همی بایست احکام الهی را بمن بیاموزد و من پنداشتم که علم راستین را نزد او خواهم یافت ، اما او (ابراهیم الامام) حتی قرآن را وسیله فریب من ساخت زیرا به سبب علاقه ای که به ریاست و اموال این جهانی داشت ، کتاب مقدس را تحریف کرد ، زهر من مرا بنام خداوند فرمان داد تا شمشیر برکشم و رحم و شفقت را یکباره از دل بیرون کنم ، هیچ پوزشی از مخالفان نپذیرم و بر کمترین لغزشی نبخشایم و من نیز چنین کردم و راه قدرت و توانایی را بر شما کشودم زیرا که شما را بدرستی نمی شناختم . اما اکنون خداوند مرا از این راه بیرون آورده است ، شما را دیگر خوب می شناسم و برگزیده خود پشیمانم و توبه همی کنم امیدوارم که خداوند ستمهای گذشته مرا ببخشاید ، اما اگر نبخشاید و مرا تنبیه کند باز باید او را دادگر بدانم !

آری ابومسلم خراسانی ، سرانجام پشیمان می شود و برگزیده های ناشایست خود افسوس می خورد که چگونه دین خود را به دنیای دیگران فروخته در نهایت سنگینی و آثار جرمهایش به گردن او مانده است .

۱- اما بعد فانی اتخذ رجلا "اما" و "دلیلا" علی ما افترض الله علی خلیفته و کان فی محل العلم نازلا و فی قراقبه من رسول الله صلی الله علیه و آله ، فاستجھلنی بالقران فتحرفه عن مواضعه ثم عا فی قلیل قد القاه الله الی خلقه فکان الذی دلنی بغرور و الزمنی ان اجرد السیف و ارقع الرحمه و لا اقبل امتذره و لا اقبل الغشره ففعلت تطویدا لسلطانکم حتی عرفکم الله من کان جهلکم ثم استنقذنی الله بالتوبه فان یعف فقدم عرف به و نسب ایه وان یعاقبنی فیما قدمت یدای و ما الله بظلام للعبید . کامل ابن اثیر ج ۶ ص ۴۶۲

زمخشری در ربیع الابرار می گوید : ابو مسلم را در عرفات دیدند که با خدایش چنین می گفت :

خدایا من اکنون پشیمانم و به سوی تو بازمی گردم اما گمانم آنست که هرگز مرا نبخشی ، گفتند چگونه خدا را چنین وصف می کنی که ترا ببخشد ؟ گفت : من چنان لباسی از ظلم به اندام بنی عباس دوخته ام که مادامی که این دولت باقی و ظلم و جنایتی بر جاننداری می رود او همواره مرا نفرین خواهد نمود ، پس خدا چگونه می بخشد کسی را که اینهمه مردم دشمن اویند !

ابومسلم از اشتیاق تحقق جامعه آرمانی مالا مال بود . وی مظهر یا دست کم وسیله دست یابی بدین هدف ، خون ریزی و انعطاف ناپذیری را آنچنان در نظرش آسان جلوه داده بود که به گفته یکی از گویندگان معاصرش : ابو مسلم آب نمی نوشد مگر زمانی که به خون آمیخته باشد . لیکن ابو مسلم نیز بزودی دستخوش همان کابوس ناگامی و یاس گشت ، کابوسی که سرنوشت تمام پرستندگان آرمان برتری یعنی رهبری مطلق است . وی زمانی از کرده های خود پشیمان و بر ایمان بیهوده و بد فرجام خویش افسوس می خورد که متاسفانه دیگر طبق معمول سودی نداشت !

موضع امامان شیعه در مورد دونهضت :

از رهگذر این فرآیندها ائمه شیعه در رهبری ، اخلاص ، آرمان و حتی پیروان نهضت دوم تردید داشتند .

ابو مسلم ، پس از مرگ ابراهیم امام به حضرت صادق ع چنین نوشت : من مردم را به دوستی اهل بیت دعوت می کنم ، آیا مایل هستید تا با شما بیعت کنم ؟ امام در پاسخ نوشت :

" ما انت من رجالی و لا الزمان زمانی " نه تو مرد مکتب من هستی و نه زمان ، زمان من است .<sup>۳</sup> و مسعودی می نویسد : ابو سلم خلال پس از قتل ابراهیم امام می خواست نهضت و

۱- اللهم انی تائب الیک بما لا اظنک ان تعفونی فقیل له افتعظم علی الله غفرانه فقال انی نسجت توب ظلم ما دامت الدوله العباسیه لبنی العباس فکم من صارخه تلعنسی

عند تفاصم الظلم فکیف یغفر لمن هذا الخلق خصماوه .

الکئی واللقاب ، شیخ عباس قمی ، ج ۲ ، ص ۱۲۰

۲- دیباچه ای بر رهبری دکتر صاحب زمانی - ص ۴۶۰

۳- مجله مکتب اسلام سال ۲۴ شماره ۵

و خلافت را به آل علی انتقال دهد. از این جهت دو نامه، یکی به وسیله محمد بن عبدالرحمن بن اسلم به محضر حضرت صادق و دیگری را برای عبدالله بن حسن (مثنی)، نوشت و در هردو نامه از امام صادق و عبدالله بن حسن خواست که خود را برای رهبری نهضت آماده کنند تا خلافت و بیعت مردم خراسان را به اسم آنان فراخواند و به قاصد دستور داد که هر چه زودتر بی آنکه وقت را از دست داده و فرصت تمام بشود عجله کند. قاصد در مدینه نامه را به حضرت صادق تقدیم کرد و پیام ابومسلم را به حضرتش رسانید. امام فرمود: من ابومسلم را نمی‌شناسم و او پیرو و شیعه دیگران است، قاصد گفت، من پیام آور و منتظر جوابم! امام دستور داد چراغی حاضر کردند، سپس نامه ابومسلمه را بالای آن گرفته و سوزاند و فرمود: ایا موقد انارا لفیرک صُؤْها و یا حاطیا فی غیر حبلک تحطب " ای کسی که آتش روشن می‌کنی که شعله اش برای دیگران است و هیزمی جمع می‌کنی که سوزشش برای دیگران است "

فردای آن روز عبدالله بن حسن که از امام مسن تر بود پیش وی آمد. امام مقدمش را گرمی داشت و فرمود: چه کاری سبب شده این همه محبت کنی؟ سپس عبدالله داستان نامه ابومسلمه را بازگو کرد و اظهار نمود که: شیعیان ما از خراسان خواهان امامت و زعامت ما هستند، پس بشتابید که فرصت را از دست می‌دهیم. امام فرمود: آرام باش پسر عمو کجا خراسانیان شیعیان تو بودند؟ آیا تو ابو مسلم را به خراسان فرستاده ای؟ آیا تو دستور داده ای که آنها سپاه پوش شوند؟ و اینهائی که به کوفه آمده اند تو دعوت کرده ای؟ و یا احدی از آنان را می‌شناسی؟

عبدالله در جواب بر خاش کرد و گفت: که شما از روی حسد این چنین حرف می‌زنی، امام آرامش ساخت و فرمود: من از روی خیر خواهی چنین می‌گویم و ابو مسلم به من نیز نامه نوشته و فرستاده است ولی جواب دریافت نکرد و نامه او را قبل از آنکه بخوانم، سوزاندم! ملاحظه کنید که امام صادق (ع) چگونه با این نهضت و داعیان آن برخورد کرده چرا که اساساً اعتقادی به نهضت نداشته و آنرا "اسلامی" نمی‌دانسته است. زیرا رهبران آن را به خوبی می‌شناخت و می‌دانست که انگیزه غیر خدائی داشته و فقط برای به دست آوردن قدرت و حکومت تلاش می‌کنند، و در این راه از هر وسیله ای استفاده می‌کنند اگر چه این وسیله تهمت، قتل و یا غارت باشد.

اما وضع امام در باره نهضت و قیام زید بن علی (علویان) و اهداف آن، ایشان

به سختی از این حرکت پشتیبانی می‌کرد و مسلمانان و شیعیان را تحریض می‌فرمود که به صفوف او بپیوندند و یاریش نمایند. ابن اثیر می‌نویسد: عده ای از کوفیان قبل از خروج زید، پیش امام صادق آمدند و از حضرتش در مورد قیام زید و اهدافش جويا شدند. امام فرمود: به او بپیوندید و با او بیعت کنید، به خدا او افضل ما و آقای ماست. شیعیان برگشتند و مسئله را مخفی کردند!

نه تنها امام صادق (ع) از نهضت و قیام زید پشتیبانی می‌کرد بلکه همه امامان شیعه از قیام اسلامی و حماسه آفرین او به نیکی یاد می‌کردند و او را شهید آل محمد (ص) می‌خواندند. امام باقر (ع) فرمود: خدای رحمت کند برادرم زید را، اگر او پیروز می‌شد، خلافت را به صاحبان مشروع آن انتقال می‌داد. انه لو ظفر لوفی!

و حضرت رضا (ع) همواره از یاد زید متأثر بود و می‌فرمود: او به حق قیام کرد و در راه حق کشته شد و اگر پیروز می‌گردید خلافت را به صاحبان آن مسترد می‌ساخت!

آری شرط پیروزی نهضت اسلامی اخلاص و فداکاری و برای تنها الله بودن است. اگر پیروز شود، نهضتی حق و عادلانه به ثمر رسیده است ولی اگر شکست یابد! هرگز شکست نظامی - سیاسی دلیل شکست عقیدتی، منطقی و پیامی آن نخواهد بود؛ زیرا پیروزی، جز پیروزی منطقی و پیام نیست و سرانجام حق پیروز است، و وعده خدا راستین که، ان وعد الله حق.

۱- کامل ابن اثیر ج ۵ ص ۴۳۶

۲- الشیعه بین الأشاعره و المقله، هاشم معروف ص ۲۴۰

۳- عیون الاخبار صدوق ص ۴۷۰



## داستان کتاب و ترجمه

در این کتاب خواننده با آراء و عقاید و مبارزات رهبران نهضت اول ، و اینکه چگونه این نهضت در راه تحقق حکومت اسلامی و بازگرداندن آن به رهبران صالح و جلوگیری از انحراف جامعه اسلامی به مبارزه برخاستند ، کاملا آشنا می شود . همچنین با مطالعه و تحقیق در می یابیم که چگونه سیاستگران فرصت طلب نهضت دوم ، مردم را فریفته ، دستشان به خون پاکترین فرزندان فاطمه آلوده شده است . این کتاب در اصل ، تز دکترای خانمی فاضل و محقق است که از دانشگاه عین شمس فارغ التحصیل شده است . او در نگارش این کتاب از منابعی با ارزش ، بخصوص از منابع خطی زیاد استفاده کرده و وبه راستی که حق مطلب را اداء نموده است و از نظر آکادمیکی از طرف هیئت علمی دانشگاه عین شمس در رشته تاریخ ، حائز درجه ممتاز علمی شده است .

" در سال ۱۳۶۰ تازه از خارج برگشته بودم ، البته تحصیلاتم در دوره دکترای ناتمام مانده بود و به علل سیاسی نتوانستم آن را تکمیل کرده و از آمریکا اخراج شدم . اوضاع و حقایق جدید مرا که بیکار بودم برآن داشت تا در رمضان همان سال به مطالعه و تحقیق نهضت های اصیل اسلامی و مبارزات تشیع که به رهبری علویان و فرزندان فاطمه هدایت شده اند ، اقدام کنم .

به دوست فاضل وارزشمندم جناب آقای مهدی پور پیشنهاد کردم که کتاب " تاریخ - الفرقة الزیدیه فی القرنین الثانی والثالث را ترجمه کنیم . او که به تازگی بدنبال کودتای سرهنگان از ترکیه بازگشته بود و مدت پنجسال بود که در آن دیار منشاء آشکار ارزنده ای در زمینه نشر و تبلیغ تعالیم اسلامی و مبلغ مذهبی بود پیشنهادم را پذیرفت ، فرصت را غنیمت شمرده و کتاب را به پایان رسانیدیم .

از آنجا که بازسازی فرهنگ اسلامی راه درازی در پیش دارد ، تغییر فرهنگ اجتماعی به فعالیت برنامه ریزی شده و کارمخلصانه مسلمانان متعهد نیازمند است . اگر دشمن توانست غرب زدگی و اسلام زدائی استعماری را از سالها و سالها پیش به اجرا درآورد برامت اسلامی و روشنفکران مسلمان متعهد و مسئول است که با وسعت نظر و فراغ اندیشه ، مجد و عظمت نخستین اسلام را تجدید کنند . بنابراین ضرورت دارد که در این راه از نیروهای اصیل اسلامی استفاده شود و در انتخاب عناصر امتیاز به مسلمان شایسته ، مدیر و متخصص اختصاص یابد .

اگر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ، اولیای امور در کنار ایجاد " نهضت های آزادی بخش " سازمان مطالعات فکری ، فرهنگی اسلامی ایجاد می کردند و از همه جهان ، متفکران مسلمان را با تکیه بر قدرت " حکومت اسلامی " گردهم می آوردند و آنان را به مطالعه و تدوین " علوم انسانی " از نظر مکتب اسلام ترغیب و تشویق می کردند ، ما امروز این خلاء دهشتناک را که در همه زمینه های علوم انسانی با آن روبرو هستیم نداشتیم . با توجه به اینکه جهاد فرهنگی و علمی ، عمیق ترین ، موثرترین و اساسی ترین جهاد است و دلها و مغزها را تسخیر میکند ، لذا اسلام که تسلیم دلها و مغزها است تا تسلیم تن ها توانسته و می تواند که در این راستا با تکیه بر ارزشهای راستین ، محرکی بنیادین جهت دست یابی به آرمانهای مذکور واقع شود .

در پایان از راهنمایی های مفید و عالمانه اساتید دانشمند که پا بذل توجه در تنقیح و تصحیح کتاب یاریمان کردند ، سپاسگذاری می شود . همچنین از عنایت معاونت محترم پژوهشی دانشگاه شیراز جناب آقای دکتر احمد زمانی ، جناب آقای دکتر مجید اجتهادی دبیر محترم مرکز نشر دانشگاه و جناب آقای دکتر وطن دوست به لحاظ تأکید بر ارائه هرچه بهتر کتاب و نیز تلاش آقای محمدجعفر تاینده حقیقی در هماهنگی و ویرایش کتاب و خانم زهرا زرین مهر که زحمت تایپ کتاب را به عهده داشتند ، نهایت تشکرو قدردانی به عمل آمده و توفیق روز افزون همه خدمتگزاران وطن و فرهنگ اسلامی را از خداوند آرزومندم .

الله ولی التوفیق

دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز

سید محمد ثقفی علی اکبر مهدی پور

اسفند ۱۳۶۵

## پیشگفتار مؤلف

## زیدیه:

یکی از فرقه‌های شیعه است که با ویژگیهای عقیدتی خود، از نخستین روزهای پیدایش، یعنی از زمان زید (شهید بزرگوار، فرزند امام زین العابدین) روزهای سخت و تلخی را پشت سر گذاشت، تا آنکه پایه‌های خود را استوار کرد، بر شعاع خود افزود، موجودیت خود را به اثبات رسانید و سرزمین یمن را برای اقامت خود برگزید.

قرون دوم و سوم هجری صحنه پیکار سخت و خونین زیدی‌ها برای دفاع از حریم اصول عقاید خود بود، زیرا اموی‌ها از روز نخست با تمام قدرت و قساوت، در برابر این مذهب نو پا ایستادند و به خرد و کلان‌شان رحم نکردند. پس از اموی‌ها، عباسی‌ها نیز راه آنها را پیمودند. با اینحال، جنبش زیدیه هر روز بر سرعت و صلابت خود افزود و مذهب خود را در مشرق، طبرستان\* و در مغرب از حجاز و یمن گرفته تا مصر گسترش داد. گسترش مذهب زیدیه در مناطق یاد شده تأثیر شگرفی در تاریخ علوی‌ها به جای گذاشت.

بحث و بررسی پیرامون پیدایش زیدیه و سیر تاریخی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا پیروان این مذهب با نبردهای بی‌امان و ستیز مداوم در برابر حکومت‌های فاسد و خلفای ستمگر، نقش مهمی را در تاریخ اسلام ایفا کرده‌اند. ولی علیرغم همه این پیکارهای خونبار، حق این فرقه در کتابهای تاریخ ادا نشده و شرح مجاهدتهای آنان جز به صورت پراکنده، آنهم در ضمن نقل رویدادهای پراکنده، نیامده است. این مظلومیت تاریخی، نگارنده را بر آن داشت که سرگذشت آنان را، از روز پیدایش تا تمرکز کامل آنان در سرزمین یمن، (اوایل قرن سوم هجری) تجزیه و تحلیل کرده و در اختیار علاقمندان قرار دهد.

در نگارش این کتاب با سختی‌های فراوانی روبرو شدم؛ اولاً: "کمبود اطلاعات در مصادر تاریخی و گاهی تکراری بودن آنها؛ ثانیاً "متناقض بودن آراء و نظریه‌های مشکوک که

موجب تصور در درک حقیقت می‌گشت.

در تحلیل این بحث لازم بود که تاریخ زیدیه را از دو بعد مورد بررسی قرار دهم:

بعد سیاسی و بعد عقیدتی، زیرا این فرقه از آغاز پیدایش بر اساس دو انگیزه سیاسی و عقیدتی به وجود آمد و بر آن دو پایه استوار گشت و همه پیروان و پیشوایان آن از رجال علم و فقاقت و مردان نبرد و سیاست بودند.

در تحقیق این بحث از کتابهای چاپی و خطی فراوانی در تاریخ، تراجم، ادیان، جغرافیا و... به زبانهای عربی، فارسی و اروپائی بهره‌جستم. این کتاب دارای چهار بخش است:

الف - بخش اول شامل تشیع، پیدایش شیعه، اصول اعتقادی، فرقه‌های مهم، ریشه‌های تاریخی و کشمکشهای سیاسی علیه رژیمهای ستمگر زمان می‌باشد. ضرورت این بحث بر کسی پوشیده نیست، زیرا زیدیه یکی از شاخه‌های تشیع است و بحث از تشیع به عنوان مدخل بحث زیدیه ضرورت دارد.

ب - در بخش دوم ابتدا از پیدایش جنبش زیدیه در قرن دوم هجری با ورود زید بن علی بر صحنه نبرد و سیاست، اعلان حرکت زیدیه و سرانجام شهادت وی در نبرد بی‌امان با امویان، سپس از قیام پسرش یحیی در سرزمین جوزجان، و آنگاه تداوم حرکت زیدیه در دوران عباسیان، مانند حرکت نفس زکیه و برادرش ابراهیم بن عبدالله و در نهایت کشیده شدن این نهضت به سرزمین دیلم گفتگو شده است.

پ - در بخش سوم از تطور و گسترش جنبش زیدیه در زمان محمد بن ابراهیم طباطبای، سپس بسیج شدن پیشتازان نهضت زیدیه به سرزمینهای، حجاز، مصر، یمن و بصره، و وضع سیاسی کوفه در سال ۲۵۰ (ه. ق)، آنگاه سیطره زیدیه بر طبرستان، قومس و گرگان، و بیعت مردم آن سامان با حسن بن زید و سرانجام، از رسیدن زیدی‌ها به سرزمین یمن در عهد هادی بن حسین و استقرارشان در آنجا گفتگو شده است.

۱- جوزجان، نام بخش بزرگی بین بلخ و رود مرو در خراسان می‌باشد، (رجسوع شود به قاموس الاعلام ترکی ج ص ۱۸۵۱) "مترجمان"

\* نامی است که مورخان اسلامی به "مازندان" و حدود اطراف آن اطلاق کرده‌اند؛ فرهنگ معین، اعلام، ج ۵، ص ۱۰۷۸

ج - دربخش چهارم خط مشی و عقاید فرقه زیدیه و طوائف گوناگون آن همچون :  
جریریه ، جارودیه و تبریه مورد (تجزیه و تحلیل) قرار گرفته است  
در پایان نیز کتابشناسی تحلیلی مصادر و مآخذ کتاب به خوانندگان گرامی تقدیم شده  
است که امیدوارم در تحلیل تاریخی زیدیه و ترسیم سیمای واقعی این فرقه ، مفید واقع شود .  
در اینجا وظیفه خود می دانم که از استاد خود دکتر حسن حبشی ، استاد کرسی ادبیات  
دانشگاه عین شمس که در تألیف این کتاب از راهنماییهای ارزنده شان بهره های فراوانی  
گرفته ام ، نام برده و سپاسهای صمیمانه ام را به خدمتشان تقدیم دارم . همچنین خود را  
موظف می دانم که از کتابدار " دارالکتب المصریه " که کتب خطی گرانبهای آن کتابخانه را  
در اختیارم قرار داد تشکر کرده و سپاسهای صمیمانه را به محضر بانوبیله عبدالمنعم ، استاد دیار  
دانشگاه بغداد و دیگر دوستانم که در ترجمه کتابهای خارجی یاریم کرده اند ، ارسال دارم .

فضیلت شامی

بخش اول

## فصل اول

### پیدایش شیعه و سرگذشت آن

ریشه عقیدتی شیعه

واژه شیعه در لغت به دو معنی آمده است :

الف - اتفاق یک قوم بر یک امر؛ که به عقیده ازهری اتفاق همه آنان شرط نیست<sup>۱</sup>.

ب - اصحاب و پیروان یک شخص و یا یک آئین؛ در قرآن کریم واژه شیعه نیز در این معنی به کار رفته است :

سپس از هر گروهی هر کدام از ایشان را که در سرگشی در برابر خدای بخشایشگر سخت تر است برمی گیریم<sup>۲</sup>.

صاحب المقالات والفرق معتقد است که لفظ تشیع واژه نوظهوری نیست؛ هر چند

این واژه به واسطه اطلاق بر اصحاب حضرت علی (ع)، دلالت تاریخی دارد<sup>۳</sup>.

رازی معتقد است که شیعه لقب آن عده از یاران پیامبر (ص) است که در زمان رسول

اکرم، علی (ع) را شناختند و با او انس گرفته و او را بر دیگر اصحاب پیامبر برتر می دانستند، مانند: سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود و عمار بن یاسر<sup>۴</sup>.

آنان نخستین کسانی هستند که به عنوان شیعه شناخته شدند<sup>۵</sup>. آنگاه همه آنها که

پیرو حضرت علی (ع) و معتقد به حقانیت او در خلافت، و ولایت اهل بیت بعد از امام علی بودند، به نام شیعه شناخته شدند<sup>۶</sup>.

۱- لسان العرب ماده "شیعه"

۲- ثم لنزعين من كل شيعة ايهم اشد على الرحمن عتيا (سوره مريم، آیه ۷۰)

۳- المقالات والفرق ص ۱۵

۴- الزينه، برگ ۲۰۵ (نسخه خطی)

۵- المقالات والفرق ص ۱۵

۶- مقدمه ابن خلدون ص ۳۴۸

تاریخ پیدایش تشیع به عنوان یک آرمان و عقیده ، در منابع تاریخی به گونه های مختلف نقل شده است . پاره ای از مصادر وجود آنرا مربوط به زمان حضرت رسول (ص) و پاره ای دیگر ظهور و تبلور آن را بعد از رحلت پیامبر می دانند ، و گروه سوم معتقدند که واژه شیعه بعد از جریان " تحکیم " میان معاویه و علی (ع) ظهور کرده است . در هر حال در این باره آراء متفاوت و نظریات متباین زیادی وجود دارد .

قمی ، صاحب المقالات والفرق ، تردیدی ندارد که " شیعه " در حیات پیامبر (ص) وجود خارجی داشت و عده ای چون سلمان ، ابودر ، مقداد و عمار ، به عنوان دوستداران حضرت علی و معتقد به امامت وی شناخته می شدند .

مورخان دیگری چون رازی (متوفی ۳۲۴ هـ) و مقدسی (متوفی ۳۵۵ هـ) با او هم عقیده هستند . برخی از محدثان نیز با آنها هم رأی بوده معتقدند که " تشیع " در زمان پیامبر (ص) به وجود آمد و همواره در میان مسلمانان کشورهای مختلف رویه گسترش بوده است .<sup>۴</sup>

عده ای دیگر گام فراتر نهاده معتقدند که تاریخ پیدایش شیعه با تاریخ پیدایش اسلام یکی است ؛ یعنی با ولادت اسلام متولد شده و با گسترش آن گسترش یافته است و گروهی که تعدادشان هم کم نیست در حیات پیامبر (ص) پیرامون علی گرد آمده ، او را پیشوای خود دانسته اند چرا که او احکام و اسرار تعلیم حیات بخش اسلام را از پیامبر اکرم (ص) آموخته بود و می توانست به آموزش آنان بپردازد . این گروه در عصر پیامبر اکرم (ص) به عنوان شیعه علی شناخته می شدند .<sup>۵</sup> در اکثر منابع شیعی تأکید شده است که شیعه در زمان پیامبر و در حضور آن حضرت به وجود آمده است ، و بذرتشیع به دست مبارک آن حضرت پاشیده شده است .<sup>۶</sup> در این منابع آمده است که واژه شیعه به کسی اطلاق می شود که از علی (ع) ، چه در عهد پیامبر (ص) و یا بعد از آن حضرت<sup>۷</sup> ، پیروی کند . همچنین تأکید شده است که پیامبر اکرم (ص) بر خلافت علی تنصیب کرده است و تاریخ تشیع با تاریخ این تصریح آغاز می گردد .<sup>۸</sup>

- ۱- المقالات والفرق ص ۱۵
- ۲- الزینیه ، برگ ۲۰۵ (خطی)
- ۳- البیدء والتاریخ ، ج ۵ ص ۱۲۴
- ۴- الشیعه بین الأشاعره والمعتزله ص ۳۴
- ۵- اصل الشیعه و اصولها ص ۸۹
- ۶- الشیعه والتشیع ص ۱۶
- ۷- اعیان الشیعه ص ۱۶
- ۸- الشیعه والحاکمون ص ۱۵

نص در لغت به معنی اظهار و اعلام صریح است .<sup>۱</sup> پیامبر اکرم (ص) در مناسبتهای مختلف و از جمله نخست در میان اهل بیت خود ، صریحا " خلافت علی را اعلام کرد . سلیم کوفی (متوفای ۹۰ هجری ) از سلمان فارسی نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) پیش از آنکه خلافت علی (ع) را رسما " اعلام کند ، به دخترش فاطمه (ع) گفته بود : خداوند به من امر فرموده که علی را به جانشینی خود نصب کنم .<sup>۲</sup>

شیعه معتقد است که پیامبر اسلام (ص) در غدیر خم در برابر خلق انبوهی از یاران خود ، خلافت علی را صریحا " اعلام ، و او را به جانشینی خود رسما " منصوب فرمود . داستان غدیر خم را چنین نقل می کنند :

پیامبر اکرم (ص) برای انجام مناسک حج رهسپار مکه گشت و پس از پایان مناسک ، مکه را به قصد مدینه ترک کرد . در بازگشت به سوی مدینه ، در نقطه ای به نام غدیر خم پیک وحی بر آن حضرت فرود آمد و این آیه را از آفریدگار جهان فرود آورد :

ای پیامبر ، آنچه را که از سوی پروردگارت به توفیرود آمده است ، ابلاغ کن ، و گرنه رسالت او را ابلاغ نکرده ای .<sup>۳</sup>

به دنبال نزول این آیه ، هنگامیکه انبوه مردم گرد آمده بودند تا پیامبر را مرخصدارا به آنان ابلاغ فرماید ! رسول الله روی به آنان کرده و فرمود :

ایمان برای شما از خودتان اولی به تصرف نیستم ؟ همه گفتند :

آری ، (ای پیامبر خدا)

آنگاه دست حضرت علی را گرفت به سوی خود بالا کشید و فرمود :

من مولای هر کسی باشم ، علی نیز برای اومولی و اولی به تصرف است .<sup>۴</sup>

این حادثه تاریخی در روز هجدهم ذیحجه الحرام (سال ۱۰ هجری) روی داد .<sup>۵</sup>

شیعه این روز تاریخی و سرنوشت ساز را راجح می نهد و سالروز آنرا همه ساله جشن می گیرد .

۱- الفصول المحناره ج ۱ ص ۱

۲- السقیفه ص ۶۲

۳- یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته ، (مائده آیه ۷۱) ، اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۹ و ارشاد مفید ص ۹۳

۴- عیون اخبار الرضا ، برگ ۲۱ (نسخه خطی) و التنبیه والاشراف ص ۳۵۵

۵- مناقب آل ابیطالب ج ۳ ص ۲۷

بر اساس این بیعت، حضرت علی (ع) لقب وصایت یافته، وصی نامیده شد.<sup>۱</sup>  
رونالد سن\*، علت این نامگذاری را چنین می نویسد:

"بیعت غدیر خم هنگامی صورت گرفت که پیامبر اکرم (ص) فرزند دلنشدش پیراهیم را از دست داد و جانشینی برای او نماند. در صورتیکه ابن عساکر آنرا تأکید بر برتری علی (ع) دانسته است، نه برای امارت و خلافت<sup>۲</sup>.

گذشته از بیعت غدیر، پیامبر اکرم (ص) همواره به حضرت علی (ع) می فرمود:  
تو جانشین من در خانواده، هجرت گاهم (مدینه)، و قوم هستی<sup>۳</sup>.

سلیم بن قیس توضیح می دهد که پیامبر اکرم (ص) به انتصاب علی بر خلافت اکتفا نکرده، بلکه مردم را به پیروی از او و دیگر اهل بیتش دستور داده است، آنجا که می فرماید:  
در میان شما دو امانت گران بها به ودیعت نهادم که اگر به آنها چنگ بزنید هرگز گمراه نمی شوید:

الف - کتاب خدا

ب - اهل بیت من

هرگز در کارها از آنها پیشی نگیرید، و از آنها تخلف نکنید<sup>۴</sup>.

ابن رستم طبری توضیح می دهد که پیامبر اکرم (ص) نه فقط وصایت علی (ع) بلکه وصایت امامان بعد از او را نیز صریحاً بیان فرموده است<sup>۵</sup>. چنانکه از سلمان فارسی نقل شده که از پیامبر اکرم (ص) در مورد جانشینی آن حضرت پرسید: رسول گرامی اسلام فرمود:  
علی برادر من و وصی من در میان امت من می باشد و دو پسرش حسن و حسین، دو سیط این امت است. در روایت، همچنان که حضرت صادق روایت فرموده اند تصریح شده که پیامبر اسلام اورا به وصایت و خلافت خود نصب کرده است<sup>۶</sup>.

۱- عقد الفرید، ج ۴ ص ۳۱۱

\* Ronaldson

۲- عقیده الشیعه ص ۳۴

۳- تاریخ ابن عساکر ج ۴ ص ۱۶۶

۴- ارشاد مفید ص ۸۲

۵- السقیفه ص ۱۵۴

۶-

۷- عیون اخبار الرضا برگ ۲۲ (نسخه خطی)

از مطالب یاد شده روشن می شود که نص پیامبر (ص) اساس عقیده شیعه را تشکیل می دهد و شیعیان سخنان آنحضرت را دلیل خلافت علی و شایستگی وی برای احراز این پست دانسته اند. از این رو گروه بسیاری از اصحاب پیامبر به او گردیدند و هرگز از او دور نشدند. گروهی از اصحاب نیز به برتری علی بر همه امت، پس از رسول اکرم (ص) معتقد شدند و گفتند که پیامبر نیز بر همین عقیده بوده است<sup>۱</sup>. بدین ترتیب شالوده شیخ در عهد پیامبر و به دست آنحضرت استوار شده و پس از رحلت آنحضرت گسترش یافته است<sup>۲</sup> و از همین جا مشکل انتخاب خلیفه پیش آمد و این نخستین مشکلی بود که امت اسلامی با آن مواجه می شد<sup>۳</sup>.

مسلمانان در مورد خلافت اختلاف داشتند که چه کسی را خلیفه کرده و اورا به امامت مسلمین انتخاب کنند. هر گروهی طرفدار یکی گشت، انصار به رئیس خود سعد بن عباده تمایل داشتند، بیشتر مهاجران به بیعت ابوبکر کشیده شدند و اورا به تر از دیگران دانستند، و بنی هاشم خود را شایسته تر از دیگران می دانستند زیرا از خاندان پیامبر بودند. به این ترتیب شیعه به مرحله دوم از مراحل تاریخی خود گام نهاد<sup>۴</sup>.

بهترین مدرک را علی در دست داشت چرا که فاطمه زهرا (س) دخت پیامبر اکرم (ص) با تمام قدرت از همسرش علی (ع) دفاع کرد و عباس عمومی پیامبر (ص) خلافت او را تأیید کرد و به وی گفت: دستت را بده که بیعت کنم<sup>۵</sup>. گروهی از مهاجران، همگام با بنی هاشم که کسی جز علی را شایسته خلافت نمی دانستند، در اطراف آنحضرت گرد آمدند و جدا "از وی خواستند که رهبری امت را به عهده بگیرد. پس از آن که در رأی گیری، سقیفه (بر خلاف حقیقت) علی (ع) به خلافت نرسیده و مسلمانان ابوبکر را به رهبری انتخاب کردند، انگیزه اختلافات برای مدتی آرام گرفته و اوضاع روبه آرامش گذاشت، طرفداران علی نیز با دیدن سکوت او بخاطر مصالح بزرگ اسلامی سکوت اختیار کرده و دل به محبت علی و شایستگی او به

۱- اصل اشعبه ص ۸۹

۲- الشیعه والحاکمون ص ۱۵

۳- فجر الاسلام ص ۳۶۶

۴- تلخیص الشافی ج ۱ ص ۶۶

۵- الشیعه بین الاشاعره والمعتزله ص ۳۷

۶- تلخیص الشافی ج ۱ ص ۶۶

۷- فجر الاسلام ص ۲۶۶

۸- الامامه والسیاسة ج ۴ ص ۴، والفصول المحناره ج ۲ ص ۴۸

مقام خلافت محکم کردند. ولی علی (ع) همچنان به باورهای خود سخت پایبند بود رفتار به روش شیخین و مقید شدن به آراء و نظریات آنان را رد می کرد.<sup>۱</sup>

ولی داستان خلافت علی اینجا پایان نیافت، بلکه اعتقاد به شایستگی او در دلها جای گرفت و هرروز به تعداد شیعیان آنحضرت افزوده می شد.<sup>۲</sup> پس از اینکه عثمان خلیفه سوم کشته شد با اینکه علی (ع) در این مسئله (قتل) هیچ شرکت نداشت و پسرش امام حسن را برای حفاظت عثمان گماشته بود، طلحه و زبیر او را متهم به قتل عثمان کرده و با او به مخالفت برخاستند و خواستار انتقام قاتلان عثمان و خونخواه او گشتند.<sup>۳</sup> علی خود را برای جنگ با آنان آماده ساخت و شیعیان به ندای او پاسخ گفته و از روی اخلاص و محبت جانانه از وی دفاع کرده و به کمکش شتافتند. علی (ع) به آنان افتخار می کرد و آنها را شیعه خود می خواند و بالقبای چون، اصفیاء، اولیاء و شرطه الخ میسب می کرد.<sup>۴</sup> اینان مردانی بودند همچون دژ که علی (ع) به مصاحبت آنان افتخار می کرد و آنان را یاران باوفای خود می دانست. پیروزی چشم گیر حضرت علی در جنگ جمل، در به نمایش گذاشتن مقام پراچ آن حضرت تأثیر شگرفی داشت و دل مسلمانان بیشمار را به آن حضرت جلب کرد و بر شمار شیعیان او افزود، و به همین نسبت بر تعداد نکوهشگران طلحه و زبیر و عایشه نیز افزوده شد، زیرا این روش خصمانه آنها در برابر علی (ع) نتیجه ای جز اوچ گرفتن صدای ناله و اندوه یتیمان و بیوگان کوفه و بصره برای جهان اسلام نداشت.<sup>۵</sup> ولی معاویه همچنان به کینه ورزی و دشمنی خود با علی اصرار می ورزید، و گفته می شود که مشوق طلحه و زبیر برای نبرد با حضرت علی، هم، او بود که می خواست خلافت را به چنگ آورده از کوفه به دمشق منتقل کرده در میان امویان استوار سازد. از این رو وی دشمنی خود را اعلام کرد و آماده نبرد با علی شد. از سوی دیگر شیعیان آن حضرت نیز برای دفاع از حریم ولایت آماده شدند. ولهاوزن\* مستشرق معروف چنین می پندارد که بروز نبرد بین علی و معاویه سبب پیدایش تشیع شده است، حال آنکه

۱- الشیعه بین الاشرار والمعتزله ص ۳۷

۲- همان مدرک

۳- تاریخ طبری ج ۴ ص ۴۶۲

۴- فهرست ابن ندیم ص ۲۴۹

۵- علی و نبوه ص ۵۵

\* Wellhausen

۶- الخوارج والشیعه ص ۱۴۶

پیش از بروز جنگ صفین گروه فراوانی از شیعیان علی در جنگ جمل شرکت داشتند.<sup>۱</sup> آنگاه مسلمانان به دو گروه تقسیم شدند؛ یکی از علی حمایت می کرد و دیگری از معاویه<sup>۲</sup> و لفظ شیعه به پیروان آنحضرت منحصر نگشت، بلکه به حامیان معاویه نیز شیعه معاویه گفته می شد.<sup>۳</sup>

پس از درگذشت معاویه، با امتناع امام حسین از بیعت با یزید، آراء و عقاید تشیع یکبار دیگر مطرح گشت و پس از شهادت امام حسین در دشت کربلا به دست هواداران دروغین خود، تشیع و ولایت اهل بیت در دل دوستداران حقیقی آنان شدت گرفت.

شهادت امام حسین در میان مسلمانان مهاجر و انصار تأثیر بسزایی گذاشت و حتی دل برخی از امویها را نیز متوجه اهل بیت کرد بطوری که بر فضیلت و پاکدامنی آنها معتقد شده<sup>۴</sup>، به علاقه و محبت آل محمد روی آورده، خود را شیعه آل محمد نام نهادند.<sup>۵</sup> بدین ترتیب بر تعداد شیعیان افزوده شد؛ آنچنانکه، مردم عراق که اغلب شیعه بودند در وحدت حکومت اسلامی متفق نشدند و در بر خورد با هم، یکدیگر را سرزنش کرده و اظهار ندامت و پشیمانی می کردند<sup>۶</sup> که چرا در زمان خود، حسین را یاری ندادند و دعوت او را پاسخ نگفتند.

همه این عوامل دست به دست هم داد و بذر تشیع را در اعماق دل مؤمنان آنچنان افشاند که در میان همه فرق اسلامی، آنها را با شعار ولایت اهل بیت ممتاز ساخت و در برابر هر متجاوز و بی حریم ولایت، آنها را در صفهای فشرده آماده نبرد و جانبازی ساخت بطوری که هر کجا جنبشی به نام اهل بیت به وجود آمد از سروجان گذشتند. این فرایندها موجب شد که شیعیان پیرامون مختار ثقفی گرد آمده؛ از زید بن علی حمایت کنند؛ در جنبش محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم و دیگر جنبشهای شیعی فعالانه شرکت جویند.

از مطالب یاد شده روشن می شود که چگونه شیعه مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشت تا توانست روی پای خود بایستد و فرهنگ غنی و پرمایه خود را به نمایش گذاشته، و خطوط اساسی خود را اعلام دارد.

۱- حورالعین ص ۱۸۰

۲- الخوارج والشیعه ص ۱۴۶

۳- علی و نبوه ص ۱۹۰

۴- اعیان الشیعه ص ۴۲

۵- غایه الاختصار ص ۷۲

۶- الخوارج والشیعه ص ۱۴۷

۷- مورج الذهب ج ۳ ص ۱۰۰

به عبارتی دیگر شیعه با انگیزه و شور و عشق به علی پدید آمد؛ انگیزه‌ایین عشق سوزان و محبت سرشار، پس از خویشاوندی نزدیک او بار رسول گرامی (ص)، برد و عامل استوار بود؛

الف - شخصیت بلند پایه او.

ب - وجود روایات متواتر از پیامبر اکرم (ص) درباره او.

### ترکیب عقیدتی شیعه

آئین اسلام با دعوت رسول اکرم پدید آمد و در عهداوشبه جزیره عربستان رافرا گرفت. ولی پس از او، در عهد خلفای راشدین، مردم زیادی به علت روح تسامح اسلام روی به آن آوردند و از روی اخلاص و عقیده، حقانیت آنرا پذیرفته و در راه تحقق آرمانهای آن فداکاری کردند.

مسلمین در زمان رسول خدا، به جهت رهبریهای مدبرانه و الهی پیامبر متحد بوده، به حضرتش عشق می‌ورزیدند. لیکن رحلت پیامبر، فاجعه‌ای بود عظیم که به دنبال آن میان مسلمانان شکاف پدید آمد. این شکاف عمدتاً "بر سر جانشینی پیامبر و اینکه چه کسی باید به جای او بنشیند استوار بود" که در نهایت به انتخاب ابوبکر و بیعت او و گزینشش به عنوان رهبر سیاسی و نظامی منجر گشت؛ خلیفه هم راه پیامبر را در پیش گرفت و در راه تثبیت آئین اسلام و گسترش آن کوشش می‌کرد و خلفای بعدی هم راه او را دنبال کرده، تلاش در گسترش آئین و تبلیغ آنرا به عهده گرفتند.

هرچند که مسلمانان همگی با هم متحد بوده و هدفهای واحدی را دنبال می‌کردند، اما در این میان گروهی با دیگر جماعات اختلافی داشتند، آنهم نه در اصول اسلام، بلکه تنها در رهبری و امامت مسلمین چرا که آنها معتقد به شایستگی علی (ع) و رهبریت او در اجرای احکام اسلام بودند. از مبلغان این فکر عده‌ای از صحابه و از همه شاخصتر، سلمان، ابوذر، مقداد و عمار یاسر بودند که به محبت علی و شیعه او شناخته شده بودند.<sup>۱</sup>

این گروه اگرچه به نام شیعه علی شناخته می‌شدند و از یاران و پیروان آنحضرت بودند ولی برای حفظ وحدت امت، هرگز برای به دست آوردن حق آن حضرت از احراز مقام خلافت، قیام نکردند.<sup>۲</sup>

۱- الصواعق المحرقة ص ۵

۲- فرق الشیعه ص ۳۹

۳- المقالات والفرق ص ۱۵

۱- التفکر الفلسفی ج ۱ ص ۱۸۰

۲- تلخیص الشافی ج ۱ ص ۶۶



در منابع تاریخی ، خبری از یک جنبش شیعی در برابر خلافت ابوبکر ، عمر و عثمان یافت نمی شود . به ویژه که حضرت علی برای حفظ مصالح عالیّه اسلام در عهد خلافت آنان نه تنها جبهه گیری نکرد بلکه همکاری هم کرد .

پس از انتخاب آن حضرت به خلافت ، کارپيروان و شیعیان آن حضرت استوارگشت و توانستند که علناً " تشیع خود را ابراز نموده ، به پیروی امیرمؤمنان همت گمارند . ولی کشته شدن عثمان ، فاجعه ، بزرگی را برای جهان اسلام به دنبال داشت که شیرازه وحدت امت اسلامی را درهم گسست و اختلافات فاحشی را در میان آنان پدید آورد ؛ تا جایی که گروهی ، حضرت علی (ع) را به شرکت در خون عثمان متهم ساختند . فرآیندهای بعدی ، مراحل مهمی برای شیعیان پیش آورد که نهایتاً " منجر به شهادت حضرت علی (ع) به دست خوارج شد ، و این نقطه آغاز ظهور اموی ها در صحنه سیاست بود .

اموی ها نقش خطرناکی در تاریخ اسلام بازی کردند ، زیرا خلافت را از عنوان مذهبی بیرون برده و به صورت لائیکلی درآوردند . آنها مرتکب اعمالی شدند که از نظر مردم فاصله زیادی با دین داشت و هرگز با اسلام سازگار نبود . مردم احساس کردند که خلفای اموی به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) چندان پای بند نیستند ، و به همین دلیل واکنشهای شدیدی از طرف شیعیان و علویان ابراز شد . هر روز تمایل مردم به اهل بیت به عنوان حامیان دین افزایش یافت و این سرآغاز دعوت به تشیع به عنوان یک جنبش مذهبی بود . از طرفی علیرغم افزایش اسارت ، شکنجه و قتل عام شیعیان به وسیله امویان ، خطوط برجسته این حرکت مذهبی برجسته تر گردید ، تا اینکه با شهادت حضرت حسین (ع) ، این جنبش جاودانه گشت . به دنبال این جریانها و نیز به استناد آیات قرآنی و روایات نبوی گرایش به اهل بیت و اعلان حقانیت آنها و افشاگری علیه زمامداران اموی گسترش یافت .

از اینجاست که آغاز پیدایش تشیع ، ریشه قرآنی و روایتی پیدا می کند . این ترکیب مذهبی تشیع از سخنان صریح پیامبر سرچشمه می گیرد . زیرا شیعیان معتقدند که پیامبر اکرم (ص) حضرت علی را رسماً " به خلافت نصب کرد و این عمل به خواست شخص پیامبر (ص) نبود ، بلکه دقیقاً " همزمان با نزول آیه شریفه : *وانذر عشیرتک الاقریبین* . *خویشاوندان نزدیک را بترسان ، در سالهای اول بعثت و بنابه فرمان خداوند انجام گرفته است .*

۱- *Laiic* به حکومت‌های غیر وابسته مذهبی و روحانی ، گفته می شود . فرهنگ روز کمال موسوی " مترجمان "

۲- سوره شعراء ، آیه ۲۱۴

به عقیده شیعیان ، امامت مسئله مصلحتی نیست ، بلکه یکی از ارکان دین است و برای پیامبر (ص) جایز نیست که از آن روی گردانده و یا آنرا به امت واگذارند .

به عقیده شیعه ، بیعت غدیر خم به منظور انتصاب حضرت علی به خلافت انجام یافته ، و پیامبر اکرم (ص) از همگان بیعت گرفته و در حضور هزاران مسلمان فرموده است : *من برای هرکس اولی به نفس (مولی) باشم ، علی نیز برای او مولی (اولی بد نفس) می باشد . بارخدا یا هرکسی را که علی را دوست بدارد ، دوست بدار و هرکسی را که با علی دشمنی بورزد ، دشمن بدار* .<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم (ص) همواره خطاب به علی می فرمود : *تو برادر ، وصی ، وزیر و خلیفد من در میان اهل بیت من هستی* .<sup>۵</sup>

شیعه معتقد است که پیامبر (ص) شخصاً " علی را امیرالمؤمنین نام نهاد ، و به مردم فرمان داد که از او پیروی کنند و بارها می فرمود : *ای علی ، تو برای من به منزله هارون هستی نسبت به موسی* ،<sup>۶</sup> و اینها قسمتی از دلایلی است که شیعه به آنها استدلال کرده و بر اساس آن در ( اولویت ) خلافت حضرت علی (ع) اصرار می ورزند .

۱- ملل و نحل شهرستانی ، ج ۱ ص ۱۹۵

۲- مقدمه ابن خلدون ص ۳۴۸

۳- المقالات والفرق ص ۱۵۴

۴- عیون اخبار الرضا ، برگ ۱۲۱ (نسخه خطی)

۵- المستدر شد ، طبری ص ۴۳

۶- ارشاد مفید ص ۶۰

۷- تنبیه القائلین بیهقی ، برگ ۱۳ (نسخه خطی)

۸- سقیفه ، سلیم بن قیس ص ۶۵